

نبرد خلق

ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوره چهارم - سال نهم
اول اسفند ۱۳۷۱ - شماره ۹۳

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

۲

پایداری مقاومت و تقویت جبهه سرنگونی

یک سال قبل و در آستانه انتخابات چهارم دوره مجلس ارتجاع، بخشی از نیروهای موسوم به خط امام کوشیدند تا پای منتظری را به سان یکشکن در آن موقع جریان موسوم به خط امام در موضع کاملاً ندادنی قرار داشت، و با وجود اینکه سالها از سرکوب آزادی محسوسا پشتیبانی کرده بود، مسأله آزادی و دموکراسی را به میان آورد. در آن موقع بخشی از نیروهای موسوم به خط امام مطرح می کردند که حکومت بدون آرا، مشروعیت ندارد و مشروعیت نداشته و اساس حکومت باید منکی "جمهوریت" باشد. اینان در جدال با کسانی که اصل حکومت را بر "اسلامیت" آن می دانستند، بدستمان می کردند که حکومت اسلامی بدون تکیه بر آرا، مردم فاقد مشروعیت است و از این زاویه ولایت فقیه و سه ویژه شخص آخوند خامنه ای را به زیر سوال می بردند. در واقع پس از مرگ خمینی، بخشی از هواداران او، خامنه ای را شایسته ولی فقیه نمی دانستند و در تلاش های سیاسی خود، بنحوی این مسأله را سرور می دادند. ملاقات تعدادی از نمایندگان مجلس موسوم با آقای منتظری و مجادلات بعد از آن که معلوم شد تعداد کثیری از نمایندگان مجلس سوم از او متنفرند می کنند. رنگ خطر برای خامنه ای که هر روز جای پای خود را محکم نمی کرد، بود. در آن موقع این به منتظری.

در صفحه ۲

شرکت هیأت مقاومت ایران در مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید آمریکا

دیدار با مقامات دولت جدید آمریکا

هیأت مقاومت ایران به سرپرستی آقای محمد عبدالمحدثن مسئول روابط بین المللی مجاهدین و عضو شورای ملی مقاومت در مراسم تحلیف و آتشبار ریاست جمهوری بیل کلینتون رئیس جمهور جدید آمریکا شرکت کرد. همچنین این هیأت با آقای لسی کلینتون رئیس کمیته خارجی کنگره آمریکا دیدار و درباره شرایط داخلی ایران، نقض حقوق بشر توسط رژیم اخوندی و ۲۰۰۰ نفر گفتگو و تبادل نظر پرداخت. آقای محمد عبدالمحدثن همراه با خانم دولت نوروزی عضو شورای ملی مقاومت ایران و آقای علیرضا جعفری راه سخنگوی مطبوعاتی مجاهدین در آمریکا با سانسور شلی از اعضای مجلس سنا آمریکا دیدار نمودند و پیرامون مسائل جامعه ایران گفتگو و تبادل نظر نمود. هیأت مقاومت ایران همچنین با آقای رابرت سورجی رئیس سوکمیسیون خارجی کنگره آمریکا دیدار و گفتگو نمود. این هیأت در جلساتی که به مناسبت آغاز دوران ریاست جمهوری آقای بیل کلینتون سرگزار شده بود شرکت نمود و با شمار زیادی از مقامات دولت جدید آمریکا و شخصیت های سیاسی، نمایندگان کنگره و سنا آمریکا دیدار و گفتگو نمود.

سید ، زلزله، تصادم قطار و هواپیما و ۱۰۰۰۰۰ متها نبرد از هم میهنان ما در این حوادث جان خود را از دست دادند. اما رژیم خمینی بدون توجه به این رویدادها که خود مسئول اول آنست به برگزاری مراسم تجلیل از حکومت ارتجاعی اش پرداخت. مادر گذشت هموطنان ما در این حوادث را به خانواده های آنان تسلیم می گوئیم.

به نقل از نشریه شورا شماره ۲ - دوره دوم

به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

مبارزه زنان برای برابری

* بدون تغییر در فرهنگ عقبافتاده یا عناصر عقبافتاده فرهنگی در جامعه پیشرفته، نمی توان به طور قطعی و نهایی بر تبعیض جنسی غلبه کرد

* شرکت هرچه بیشتر زنان در مبارزه سیاسی و کوشش آنان برای بروز استعدادهای خود و قبول مسئولیتهای هرچه بیشتر، شرایط را برای رفع تبعیض در مورد زنان هرچه بیشتر فراهم می آورد

مختلف، از نظر حقوقی با مردان برابرند. جنبش زنان به ویژه طی دودهم گذشته در نقاط مختلف جهان رشد و گسترش یافته است. با این حال در جوامع امروزی نیز آن چنان مسائل حادی در مورد نقش و موقعیت زنان مطرح است که به جرات می توان گفت مسأله زنان یکی از مسائل حاد جامعه امروزی به شمار می رود.

در صفحه ۷

از هنگامی که ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن تعیین شد، تا امروز جنبش زنان برای رفع تبعیض جنسی برابری کامل با مردان دستاوردهای بسیاری داشته است. سیمای زن در جهان امروز با سیمایی که در ابتدای قرن داشت به کلی متفاوت است. هم چنین موقعیت زنان در مقایسه با دو قرن گذشته اساساً دگرگون شده است. زنان امروز در بسیاری از نقاط جهان، در رده های

گرامی باد خاطره

فدایی شهید منصور حبیبی زاده

در صفحه ۵

چهارمین سالگرد فتوای قتل سلمان رشدی

۲۵ بهمن امسال، چهارمین سالگرد اعلام فتوای قتل سلمان رشدی از طرف خمینی بود. محافل مترقی جهان بدین مناسبت عکاسی و گردهمایی به پاسنشدی رژیم آخوندها به این نوا، اعلام اعتراض نمودند. از مدتها قبل سلمان رشدی حرکت های جدیدی علیه رژیم خمینی و برای لغو فتوای قتلش آغاز کرده است. به دنبال این فعالیت ها روز ۱۵ بهمن امسال، وزارت امور خارجه انگلیس با نشریات رسمی از سلمان رشدی در وزارت امور خارجه استقبال نمود و سلمان رشدی با داگلاس هرد ملاقات نمود. خبر این ملاقات در رسانه های

در صفحه ۴

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت ترور مجاهد قهرمان علی اکبر قربانی

در صفحه ۲

گزارش مراسم بزرگداشت شهید علی اکبر قربانی در پاریس

روز ۲۰ بهمن امسال نزدیک به ۱۰۰۰ تن از هم وطن ایرانی و نخست های فرانسوی و اروپایی برای ادای احترام به بیکرمجاهد قهرمان علی اکبر قربانی که ۸ ماه قبل توسط تروریست های رژیم اخوندی در ترکیه زود شده و پس از ۶ ماه شکنجه به شهادت رسید، در یک راهپیمایی در پاریس شرکت

در صفحه ۵

در این شماره:

* ترور روزنامه نگار ترک

* استرداد تروریست های رژیم

* دستگیری تروریست های رژیم

* اخبار مقاومت

- سو، استفاده رژیم از شرایط

عراق علیه مجاهدین

- افزایش تعداد زندان ها

- اعتراف رژیم به ترورها

* مطبوعات خارجی

- "من قهرمان نیستم"

* برخی از رویدادهای تاریخی

* شهدای فدایی

اخبار و رویدادها...

از صفحه ۱۲

که در ارتباط با ترور سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی یکی از مخالفان سرشناس دولت ایران تحت تعقیب قرار گرفته‌اند، موافقت کرده است. اما یک مقام سفارت سوئیس درباریس می‌گوید، استرداد این دو احتمالاً به صورت عملی نخواهد شد. چرا که هر دو حق دارند از رای دادگاه فرجام بخواهند. این دو در نوامبر گذشته در پاریس دستگیر شدند. آقای رجوی در آوریل سال ۱۹۹۰ در برابر خانه‌اش در حومه ژنو کشته شد.

دستگیری تروریست‌های رژیم در ترکیه

روزنامه صباح در شماره ۱۱ بهس اصل خود در رابطه با اقدامات تروریستی رژیم می‌نویسد: "لاسه قاتلین پیدا شد، مسجد ایرانیان که در محله بشمل دیرک استانبول واقع است و از طرف تروریست‌های وابسته به حزب الله به صورت مرکز مورد استفاده قرار می‌گرفت، توسط پلیس بسته شد. محمد زکریا تبریزی مسئول عملیاتی شبکه حرکت اسلامی در استانبول که از طرف ساوا حمایت می‌شود، در استانبول دستگیر شد. اکنون معلوم گردیده که او جنایت ترور اوغور مومجور اطر حریزی کرده و مسبب راهم او ساخته است. تبریزی که متخصص بمب می‌باشد، به وسیله فردی به اسم مستعار باشار، بمب پلاستیکی به کار گذاشته شده در قتل اوغور مومجور به آسکارا فرستاده است. افراد عملیاتی این شبکه بمب در طبقه هشتم هتل تاپ مرمره کار گذاشته و یک ایرانی را در سطح سکودار به دار آویخته‌اند. آنها مومجور امینی اکسیر قربانی از اعضای سازمان مجاهدین خلق را از جنس در خانه‌اش در منطقه شمالی استانبول رسیده، او را در شهر بورسانا جوی کرده و سبی گشته‌اند و بعد در چنار جیق (حومه استانبول) در خاک دفن کرده‌اند."

اخبار مقاومت

اخبار زیر از اطلاعیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران گرفته شده است.

رژیم آخوندی مترصد سوءاستفاده از شرایط عراق علیه مجاهدین

به قرار اطلاع آخوندخامنه‌ای از "ستاد فرماندهی امور عراق" (یکی از ارگانه‌های رژیم خمینی برای صدور ارتجاع و برقراری حکومت اسلامی در عراق و سازمان دهنده تهاجمات نظامی علیه مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران در منطقه مرزی) دعوت کرده بود تا در روز یکشنبه ۲۷ دیماه در محل کاخ نیاوران سه منظور تصمیم‌گیری درباریه نحوه‌های بهره‌برداری از اوضاع در عراق و مداخله نظامی در مناطق مرزی اجتماع کنند. چرخاننده این جلسه، علیرضا معیری رئیس جدید "دفتر نخبخت‌های آزادیبخش" آخوندی بوده و علی‌آقا محمدی رئیس ستاد فرماندهی امور عراق موظف به ارائه طرح‌های مشخص به خامنه‌ای و فرهنگیان برای مداخله نظامی به ویژه علیه

مجاهدین و نیروهای ارتش آزادیبخش ملی ایران در مناطق مرزی شده است.

۰۰۰ در "ستاد فرماندهی امور عراق" همچنین از ضرورت روی کار آوردن "الترناتیبو شعبی دست بخت رژیم خمینی در جنوب عراق و ضرورت میرم ضربه زدن به مجاهدین به هر قیمت بطور مبسوط گفتگو شده است. به اعتقاد خامنه‌ای و فرهنگیان "بایستی بر غربی‌ها و سعودی‌ها هایشی گرفت و در یک حرکت سریع و هماهنگ با برخی گروه‌های عراقی به سرنگونی حکومت عراق منادرت ورزید و در همین چهارچوب، مسئله حذف مجاهدین راهم حل نمود." آخوندخامنه‌ای در رابطه سران برخی از گروه‌های کرد عراقی را پذیرفته و به آنها وعده "همه گونه کمک‌های تدارکاتی و تسلیحاتی" داده و بخصوص خواهان اقدام فوری علیه مجاهدین شده‌اند.

رئیس‌جمهور دستور افزایش تعداد زندانها را می‌دهد

بر اساس طرحی که مورد توافق رئیس‌جمهور قرار گرفته است رژیم ملاها درصدد گسترش تعداد زندانها و افزایش تعداد زندانبانان و شکنجه‌گران می‌باشد. این تصمیم به دنبال گسترش بی‌سابقه دستگیری‌های خانمانی که در اوکمش رژیم به تظاهرات اعتراضات و اعتراضات سراسری ضد حکومتی مردم می‌باشد، اتخاذ گردیده است. بدینحال خیزش‌های مردمی در شهرهای اصلی ایران پاسداری رژیم تعداد کثیری از افرادی را که سابقه هواداری از مجاهدین داشته و در گذشته مورد شناسایی ساواک رژیم قرار گرفته بودند دستگیر کرده است. علیرغم این دستگیری‌ها پاسداران قادر به کنترل اقدامات مقاومت مردمی نگردیده‌اند. علاوه بر اساس به دستور خامنه‌ای و رئیس‌جمهوری رفتارهای اجتماعی نمرشد افزوده شده و مثال فقط در عرض یک سال ۱۱۳۰۰۰ تن به جرم "بدجایی" یا "ساد" دستگیر شده‌اند.

در پی افشای رسمی نقش رژیم خمینی در ربودن و قتل یکی از مجاهدین در ترکیه، رجوی خواستار رسیدگی بلادرتگ شورای امنیت به جنایات رژیم شد

روز پنجشنبه ۴ فوریه عصمت سرکین وزیر کشور ترکیه در یک کنفرانس مطبوعاتی صراحتاً از اعتراضات تروریست‌های دستگیر شده در این کشور مبنی بر سرکین و شکنجه منتهی به قتل اکبر قربانی از اعضای سازمان مجاهدین توسط رژیم ملایان، برده برداشت. او همچنین تاکید کرد که کلیه تروریست‌های دستگیر شده در اردوگاه‌های ویژه نظامی در ایران آموزش نظامی گذرانده‌اند.

ساغانی پس از اعلام این خبر، آقای سعید رجوی رهبر مقاومت ایران تلگرامی به آقای پیتروس نالسی دبیرکل ملل متحد و روسای جمهور آمریکا، روسیه، فرانسه و چین و نخست‌وزیر انگلستان ارسال داشت.

آقای رجوی در این تلگرام نوشت: حقیقت این است که سرکوب، شکنجه و اعدام و قتل عام زندانبانان سیاسی (انسان ۱۹۸۸) در داخل ایران و صدور بنیادگرایی و تروریسم و کشتار مخالفان در خارج ایران (مانند ترور دکتر کاظم رجوی در ژنو و ترورهای مکرر در پاریس، وین و برلین) و بمباران و تهاجمات تروریستی در مناطق

مرزی (مانند بمباران یک فرارگاه ارتش آزادیبخش ملی ایران در ۵ آوریل ۱۹۹۲ با ۱۳ فانتوم) و بمب گذاری اخیر در داخل یک اتوبوس شهری در حومه شمالی بغداد و به رکنارستن مجاهد خلق غلامحسین کاظمی (در منطقه مرزی مندلی) خمایش ماهوی و تغییر بنیادین این دیکتاتوری قرون وسطایی است که برای ادامه حکومت خود چاره و راه حل دیگری ندارد. دامنه سرورسم و حتی و اسار کسینت این رژیم از شهروندان ایرانی بافراتر رفته و نویسندگان ترک و مصری و هم جنس نویسنده انگلیسی و مترجمان کتاب اودر ژانرین و اسانیا و دیپلماتها و شهروندان سعودی و عراقی و فرانسوی و امریکایی راهم دربر گرفته است.

اعتراف رژیم خمینی به جنایات تروریستی

دیکتاتوری تروریستی مذهبی ملایان امروز سه حده عواملش علیه یک واحد ارتش آزادیبخش در داخل خاک عراق و اندجار یک اتوبوس در شمال بغداد اعتراف نمود.

رژیم ملاها که اخبار را بطور تحریف شده‌ای از تلویزیون خودبخش نمود، بدون آنکه مسئولیت این اقدامات تروریستی را بکند بگوید، گفت: "مجاهدین ضعیف‌ترین اطلاعاتی این عظیمات را به جمهوری اسلامی ایران رسیده است."

ناریدیف کردن یک سری توطئه‌های تروریستی و تبلیغاتی که از دو هفته پیش توسط مردوران محلی رژیم و دیپلمات - تروریست‌های ملاها در بغداد صورت گرفته است، سردمداران رژیم خمینی نقش جنایتکارانه و دروزانه خویش در هدایت و هماهنگی این توطئه‌ها که بنیایش طی روزهای ۱۲، ۱۴، ۱۸ و ۲۶ ژانویه از سوی دفتر مجاهدین افشا گردیده بود را به نمایش گذاشت.

در عین حال رژیم ملاها به بزرگ‌نمایی و دروغ‌پردازی سراسری علیه تظاهرات تروریستی شکست خورده‌اش در داخل خاک عراق پرداخته است:

۱- رژیم خمینی مدعی گردیده است که ۲۰ مجاهد در جریان حمله به یک اتوبوس در روز ۲۱ ژانویه کشته شده‌اند. حال آنکه در ۲۱ ژانویه هیچ حمله‌ای علیه مجاهدین صورت نگرفته است. بلکه عوامل سفارت رژیم خمینی در روز ۲۶ ژانویه بمبی در یک اتوبوس شهری که صاحب آن یک راننده عراقی بود و مجاهدین از آن استفاده می‌کردند منفجر نمودند که خسارات مالی سار آورده ولی هیچگونه خسارت جانی دربر نداشت.

۲- رژیم مدعی شده است که در ۱۱ ژانویه در یکی از جاده‌های فرعی منطقه امام و پس در عراق چهار مجاهد کشته و هفت تن دیگر زخمی شده‌اند. این خبر نیز دروغ است. پاسداران رژیم در روز ۱۱ ژانویه با عبور از سرور در عمق ۲۰ کیلومتری خاک عراق به یک خودرو ارتش آزادیبخش ملی ایران حمله نمودند که منجر به کشته شدن یک زننده بنام غلامحسین کاظمی و مجروح شدن دوش دیگر گردید.

۳- رژیم خمینی همچنین به تکرار باطلی که از سوی رادیو "اتحادیه میهنی کردستان عراق" و یک گروه موهوم بنام "کردهای آزاد عراق" مبنی بر انفجار یک مقر موهوم مجاهدین در کرکوک و اقدام مجاهدین به جلوگیری از کمپهای غذایی و دارویی به اکراد عراق پرداخته است که میبایست این توطئه‌ها توسط مجاهدین افشا گردیده است.

چهارمین سالگرد فتوای قتل سلمان رشدی

از صفحه ۱
خری و سبعا انعکاس یافت و رژیم آخوندی نیز سبعا انعکاس خیر ملاقات، آنرا محکوم نمود. هم زمان عزیر نسین نویسنده ترك اعلام نمود که به زودی کتاب سلمان رشدی را به ترکی ترجمه خواهد کرد و ایمن مطلب نیز خشم حیوانی آخوندها را برانگیخت. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۱۵ بهمن، عزیر نسین را مزدور "سپه‌نویست" که خون او مباح است اعلام کرد.

رادسوی بی سی در تاریخ ۲۰ بهمن اعلام نمود که داگلاس هرد معاون وزیر امور خارجه بریتانیا سوجه کسمیون حقوق بشر ملل متحد را به سوی دبل سلمان رشدی معطوف کرد و گفت مقامات طراز اول ایران بر روی این فتوا، تاکید می‌کنند. رادسوی فرانسه در تاریخ ۲۲ بهمن اعلام نمود که، اتحادیه حقوق بشر فرانسه شب گذشته مراسمی به منظور اعلام دوباره حمایت از سلمان رشدی برگزار کرد. همچنین خبرگزار اسپا اعلام نمودند که دولت آمریکا به اردوی حمایت از تندکان از سلمان رشدی پیوسته و فتوای قتل وی را غیر قابل قبول اعلام کرده است. مارزیم که غرق در جوانی - نمای متعدداست و برای حل مسائلی داخلی خود احتجاج به بحران زائی در خارج دارد با هم برای فتوای ارجاعی تاکید می‌کند. روز ۲۵ بهمن رادسوی از قول حسن مالنی گفت: "در حال حاضر اوضاع برای اجرای فتوا از همیشه مناسب تر است" بدین ترتیب سرگردان و گردانندگان رژیم و ولایت فقیه نشان می‌دهند که همچنان به راه و روش خمینی پایبند هستند. اما چهار سال پس از صدور این فتوا، شرایط، شدت علیه رژیم و پیوسته سلمان رشدی است. سلمان رشدی نیز پیوسته از مدتها حرکات تدافعی و ابغالی، به موضع حرکات تعرضی آماده و ارایه لحاظ رژیم را شدت تحت فشار فرار می‌دهد. وی با دهها روزنامه، رادیو و تلویزیون مواجه می‌کند و اخبار مربوط به فعالیت هایش را بخش می‌کند. سلمان رشدی در محامیه با مجله اشترن می‌گوید "من می‌مسم گرفته‌ام که نترسم، زیرا اگر نترس داشته باشم برای طرف مقابل پیروزی است." بدین ترتیب سلمان رشدی با تفسیر رفتار خود از موضع تدافعی به موضع تعرضی، رژیم را هر چه بیشتر در تنگنا قرار داده است. در مقابل افکار عمومی بین المللی هر روز بیشتر از روز قبل از حق سلمان رشدی برای بیان نظرانش دفاع می‌کند. جهان هر روز بیشتر از روز قبل به این حقیقت که مقاومت ایران همیشه روی آن تاکید کرده، که با رژیم آخوندی فقط می‌توان با زبسان زور حرف زد، آگاه می‌شوند. نبرد خلق تاکنون اخبار فعالیت های سلمان رشدی را انعکاس داده و در آئینده نیز خبرهای مربوط به این نویسنده را منعکس خواهد نمود. همچنین در این شماره ترجمه محامیه وی با مجله اشترن به اطلاع خوانندگان نبرد خلق می‌رسد.

محامیه با سلمان رشدی راجع به زندگی اش در اروپا، ترس از به فراموشی سپرده شدن و خواسته‌هایش از سیاستمداران بن

"من قهرمان نیستم"

اشترن - ۲۹ اکتبر ۱۹۹۲

اشترن: آقای رشدی، بیش از هر چیز دلتنگه چه چیز هستید؟

رشدی: دلتنگه چیز فوق العاده‌ای نیستم، نه تعطیلات در کنار دیوار چین و نه دیدار ابراهام. من دلتنگه این هستم که دیگر یک جنجال نباشم. من دلتنگه چیزهایی هستم که احتمالا برای شما کسل کننده است. من دلتنگه این هستم که در یک کتاب فروشی کتاب هزار و بیست و سه آفرین آن کتابی که قهدها ششم بلکه دوازده کتاب دیگر را که نمادها پیدا کرده‌ام بخرم. من از سه سال و نه ماه پیش هیچ روزنامه‌ای از مناره بغل خیابان نخورده‌ام و وقتی که می‌خواهم به سمت درب خانه بروم می‌بایست اجاره بگیرم. بدین ترتیب مسئله در وضعیت من از دست دادن کامل زندگی روزمره و عمل خود بخود است.

اشترن: تحت این شرایط برای شما چگونه امکان دارد دوستانتان را حفظ کنید؟

رشدی: دوستان جدید پیدا کردن تقریباً مشکل است. اما قدیمی‌ها همیشه عالی یا من بخورد کرده‌اند. آنها مسائلی مرا به مشکل خودشان تبدیل کردند. تنها کسی که مرا واقعاً شگفت زده کرد خانم نویسنده "گرمین کریر" است. او به من پیشنهاد می‌کند که من در کتابی که مناره‌ای بزرگ شده‌ام، آن هم درست از من که کمتر از هر کسی دیگری قدرت دارم - بلکه همچنین به فمینیست‌ها توصیه کرد که با پیرونگرانی همانگونه برخورد کنند که ملاها با آنها می‌کند. در حالی که او بطور خصوصی برای من یادداشت‌هایی می‌نوشت که در آنها بر دوستی غیر قابل گسستنش تاکید می‌کرد.

اشترن: آیا می‌توانید در این شرایط اخلاقی‌تری بنویسید؟

رشدی: من همیشه به خود می‌گویم که بسیاری از رمانهای بزرگ در زندان نوشته شده‌اند. در حال حاضر من به اندازه کافی داستان در ذهنم برای تعریف دارم. اما اگر مدتی طولانی از دنیا جدا باشم نوشتن مشکل خواهد شد.

اشترن: شما در هندوستان متولد شده‌اید و راجع به سرزمین مادری‌تان چیز نوشته‌اید. فکر می‌کنید آیا زمانی بتوانید به آنجا بازگردید؟

رشدی: من بیش از هر چیز دیگری دلتنگه هندوستان هستم. من حتی اگر بتوانم در اروپا دوباره زندگی عادی ام را از سر بگیرم باز هم آنجا برایم خطرناک است. اگر فقط یک درآمد هندی‌های مسلمان بخواهند مرا بکشند، رقمشان چیزی در حد یک میلیون قاتل بالقوه خواهد بود. این خیلی مایوس کننده است زیرا مرا از دنیایی جدا می‌کند که بیش از هر کسی دیگر به من قدرت نوشتن داد. به این دلیل حدس می‌زنم زمانی که کتابهای من تم غربت آمیخته شوند.

اشترن: یک بخش از خانواده شما در پاکستان بناگذار زندگی می‌کند. آیا آنها بخاطر نسبت شما مسرود آزادتر گرفته‌اند؟

رشدی: مادر من در کراچی زندگی می‌کند، نام مراد اردو تاکنون حتی یک تلفن مزاحم هم به او نشده.

اشترن: زمانی شما گفتید که پس از حکم مرگ خمینی، چیزهایی که پیش از این بدیده بودند، دیگر اینگونه تلقی نمی‌شوند.

رشدی: هر انسانی از دنیا برای خودش تصویری می‌سازد در آن بدون تناقض‌های اساسی زندگی می‌کند. اما من بر عکس مجبور بودم برد خود اعراف کم تصویری که از من توسط دنیا ارائه شده از پایه غلط است. انسانهایی که من همیشه درباره‌شان نوشته بودم، احساس تعلق به آنها داشتم. مهاجرین آسیایی انگلیس - همان کسانی بودند که کتاب مرا آتش زدند. ۲۰ سال تمام علیه نژادپرستی انگلیسی مبارزه کردم و ناگهان مردم خودم به من نیت نژادپرستی زدند. از زمانی که در انگلستان زندگی می‌کنم از حرب کارگریشناسی کرده‌ام، آن وقت به این نتیجه می‌رسم که آنها به جز چند استثنا، مرا به حال خودم رها کرده‌اند. در حالی که حزب محافظه کار که من علیه آنها هستم مبارزه کرده بودم، زندگی ام را نجات داد. شاید این قبول که زمانی یک نفر گفته بود درست باشد که برای یک هنرمند سختی وجود دارد. هر چه سخت تر برای او بهتر هنرا غلب از رنج نشئت گرفته و پدید آمده.

اشترن: شما شادترین رمان "ساکون یعنی" هزارون و دریای داستانها" را در اولین سال پس از فرار از خوسوان مرگ نوشیدید.

رشدی: آن زمان وحشتناک ترس دوره زندگی ام بود. نه تنها این که مجبور بودم بارندگی ام در خفا کسار بیابم، بلکه زندگی زناشویی ام نیز از هم پاشید و من هر گونه بستگی را از دست دادم. اما من پیش از "جنجال رشدی" به سپرم قول داده بودم زمانی کتابی برای کودکان می‌نویسم و من می‌خواستم به وعده‌ام وفا کنم. غیر از این چیز زیادی وجود داشت که بتوانم سرای او انجام دهم و اینگونه بود که در تاریخ ترین تاریخ زندگی ام خوشبخت ترین کتابی به وجود آمد که تاکنون نوشته بودم.

اشترن: آیا شرایطتان دیدگاه شما راست به زندگی تغییر داد؟

رشدی: من اکنون نسبت به دوره ۱۹۸۹ بیشتر می‌دانم. من در اصل نویسنده منتقد چپ‌ها بودم، یک دیگر اندیش. دلپسته به اینکه علیه چیزی مطلب بنویسد. اما در باره اینکه واقعا موافق چه چیزی هستم خشتی کم نگر می‌کردم. اکنون می‌دانم که مخالفت بنیادگراشی بودن کافی نیست. انسان باید برای چیزهایی که دوست دارد همانگونه بجنگد که علیه چیزهایی که مخالفشان است و آنهم بدون سازش. بعنوان مثال برای آزادی بیان.

اشترن: اما شما خودتان یکبار تلاش کردید با بنیادگراها کنار بیایید با این روش که شهادت نامه‌ی اعتقاد است الله، یگانه خدا، و پیامبرش محمد امضا کردید.

رشدی: این مسئله در یک لحظه بزرگ پیرشانی اتفاق افتاد. غربی‌ها هرگز واقعا نفهمیدند که رانده شدن از دنیایی که از آنجا می‌آدم، درباره‌اش همیشه می‌نوشتم برایم چقدر دردآور بود. من می‌خواستم اشاره‌ای بنیادی به مسلمان‌ها نشان بدهم که هر کس دشمن آنها نبوده‌ام. اما من با این عمل خود را انکار کردم. به این دلیل حرفم را پس گرفتم و گفتم: "نه، من اعتقاد ندارم، یک آدم مذهبی نیستم. اگر از من سؤال

گرامی باد خاطره

فدایی شهید منصور حبیبی زاده

در کشتن شهدای پرافتخار خلق ستارگانی هستند که سراسر عمر بر بار خود را به امید رهایی مردم، سواره بر غلیه ظلم و ستم و استبداد گذراندند و در این راه، با افتخار به شهادت رسیدند و از آنان نامی و یادای برجای ماند: در میان این پیام آوران آزادی بسیاریند آنانی که نام آنها توسط درخیمان انتشار یافت و هم چنان در گمنامی در سینه تاریخ محفوظ هستند. اینها همزمانی که بیشتر از میان جوانان کم سن و سال سر خاستهاند، عمر کوتاه خود را با فداکاری برای رسیدن به آزادی در طبع اخلاص نهادند و به جنگ اهریمنستان خویشوار رفتند و بعد از تحمل شکنجههای طولانی در پشت سلههای زندان های قرون وسطایی رژیم خمینی در مقابل جوخههای اعدام قرار گرفتند و بار در زیر شکنجه، ترانه خوان رهایی گردیده و خنده بر لب برد و حساس گفتند: «باد آن را گرامی بدارم و بعنوان حداقل وطنم انقلابی خود در جهت شناسایی و معرفی آنان تلاش نمائیم» باشد تا در این رهگذر فداکاریهای آنان را سه گونه‌ای، ارج بهمیم و با ادامه رها شدن خواب راحت را از چشم دشمنان خلق و انقلاب برداشتم.

نبرد خلق به سهم خود در جهت معرفی این شهدای گرانمایه خلق و مقاومت انقلابی کوشش می‌کند و با بدست آوردن اطلاعات مربوطه به چاپ و پخش آنها اقدام می‌نماید.

به تازگی بیوگرافی یکی از این شهدای به خون خفته خلق بدست ما رسیده است که در اینجا به معرفی اندک وی می‌پردازیم. رفیق منصور حبیبی زاده در سال ۱۳۲۰ در خانواده‌ای زحمتکش در شهر درفول بدینا آمد و از زمانی که خود را شناخت ماساژ اریج و شکم‌سج و سایر آبروی های اجتماعی در طلب یافتن راهی برای سرچیدن بساط ظلم و ستم به تلاش و کوشش پرداخت. وی همراه با انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷ به حدی از سلوغ فکری و ایدئولوژیکی رسیده بود که نتواند راه و روش خود را در میان آن همه ناآرامی، بیابان و بیادند کسه مبارزه تشکیلاتی تنه‌راه پیشبرد مبارزه اصولی و انقلابی است و در این رابطه به صفوف هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق در جنوب کشور پیوست و به فعالیت های مختلف در این راه پرداخت. همراه با انشعاب بزرگ در سازمان فدایی با آگاهی و اطمینان از ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی رژیم خمینی بسسه اپورتونسم لانه کرده در سازمان "نه" گفت و به صفوف جریان رزمنده "اقلیت" پیوست و فعالیت های خود را به همراه چندین دیگر از همزمانش در شهر درفول و در ارتباط با شاخه جنوب سازمان اقلیت آغاز کرد. رفیق منصور که به دقت و فداکاری مشهور بود، در میان دیگر همزمانش از اعتماد قابل توجهی برخوردار بود و هیچ وقت اریح خطری نمی‌هراسید و همیشه مشکل ترین کارها و مأموریت ها را بر عهده می‌گرفت. در طی جنگ ایران و عراق با وجودی که کلیه امکانات ارتباطی وی و یارانش به سبب بمباران های مکرر شهر درفول و مهاجرت تعداد زیادی از مردم از زمین رفته بود بسا شهامت و شجاعت در انجام دادن و فعالیت های خود و دیگران را از زیر زمینی در این شهر هدایت می‌کرد. رفیق منصور یکبار بهنگامی که در زیر زمین مشغول مطالعه

مجدد به سازمان گرفت که در بین راه بهنگام خسروح از مرزیدام پاسداران رژیم افتاد بدنبال شناخته شدن وی توسط مأموران رژیم، برای بازجویی و تکمیل اطلاعات مربوط به شاخه جنوب سازمان، به شهر محل فعالیت خود یعنی درفول منتقل گردید، که بعد از شکنجههای طاقت فرسا و طولانی در بیدادگاههای آخوندی به دلیل مقاومت در مقابل خواسته‌های آنان و حفظ اسرار خلقی به ۱۵ سال زندان محکوم گردید تا شاید در این مدت اراده اش متزلزل گردد و به ندامت و محامه تلویزیونی راضی گردد. رفیق منصور بعد از یک سال تحمل سختی در زندان های رژیم به سمساری سرطان مغزی دچار گردید و به گفته هم سلولی هاشم شش ماه آخر عمر خود را در حالت اغما و سپهوشی بدون کوچکترین درایت پزشکی سربرد و در انجام يك روز قبل از شهادت با ابراز خاواده اش به بیمارستانی در تهران منتقل گردید و مورد عمل جراحی قرار گرفت که نتیجه نداد و در صبح ماه ۱۳۶۲ قلب نوسنده اش از نیش بارگامد و بدانی شهیدش. رفیق شکرالله پاك نزاد و دیگر شهدای خلق بیوسم سادش گرامی و رهاش بر رهرو ساد.

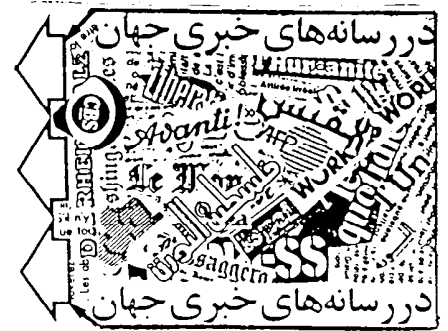


رفیق منصور در کنار دای انقلابی و شهیدش رفیق شکرالله پاك نزاد

گزارش مراسم بزرگداشت شهید

۱ رتفحه کردند. تظاهر کنندگان با شعارهای خود رنجانی را مسئول ترور علی اکبر قربانی اعلام کردند. به گزارش سازمان مجاهدین خلق ایران، این تظاهرات به دعوت "کدینه اکبر قربانی"، به ریاست ژان پی بیرکسه، "حقوق بشر نوین" و "انجمن ایران و فرانسه برای عدالت و آزادی" از میدان ریپوبلیک تامیدان نامتسل صورت گرفت. آقای دکتر صالح رجوی پیام کوتاهی از طرف مسئول شورای ملی مقاومت ایران قرائت نمود. آقای مسعود رجوی در پیام خود به تظاهر کنندگان اعلام نمود که: "این سبائی است که از روز به حکومت رسیدن غمگینی تا بحال مجاهدین هر روز در داخل ایران و یامناظر مرزی و محل های استقرار ارتش آزاد بخش ملی و سر در زانو، پاکستان، ترکیه و سایر نقاط جهان می‌پردازند. بهای مقاومت برای شرافت و آزادی در برابر دیکتاتوری و سنیادگرایی مذهبی". در روی پلاکاردهایی که توسط تظاهر کنندگان حمل می‌نمود نوشته شده بود، "رژیم ملایان را تحریم نقتسی و تسلیحاتی کنید"، "سفارت های رژیم خمینی کسه

لانه برور سیم است را تعطیل کنید"، "نه به بنیاساد گرامی و ترور رژیم بر خارج، نه به سرکوب خویشین در ایران"، در این تظاهرات خام جیمله اسلامی همسر شهید اکبر قربانی و شماری از شخصیت های مقاومت ایران از جمله آقایان منوچهر هزارخانی، خداست. الله متین دفتری و جلال گنجهای حضور داشتند. گروهی از شخصیت های فرانسوی و اروپایی در این مراسم شرکت داشتند. خانم میلرا استاد دانشگاه انگلیس که در این مراسم شرکت داشت، طی سخنانی خواستار محکومیت رژیم خمینی بخاطر جناس قبیح آن علیه بشرت شد. همچنین در چهارم، سازمان و شخصیت ساسی فرانسوی، اروپایی و امریکایی پیام های تسلیت خطاب به آقای مسعود رجوی به این مراسم ارسال داشتند. به گزارش خبرگزاری فرانسه حزب سرخای فرانسه در پیام خود به این مراسم اعلام نمود که "قتل های مکرر مخالفین ایرانی در خارخ ناست می‌کند رژیم ایران بهیچوجه به دنبال آن نیست که استراتژی ترور و حذف سیستماتیک را تفضیر دهد". پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به این مراسم در هفتمین شماره نبرد خلق چاپ شده است.



ایران تهدید مالاها

نام روزنامه: TEMOIGNAGE CHRÉTIEN • 13 FÉVRIER 1983

اگرچه يك مقاله اخير واكنشگي پست^۱ اعتقاد داشته باشيم، بيل كلينتون معتقد است كه عمده ترس خطر در خاورميانه براي غرب، از ايران ناشی می شود كه تبديل به "مركز هدايت ميليتاريسم بنيادگراي اسلامي" شده است. براي رهايي از اين معطل، انتظار می رود كه واكنشگي از "يك التراناسيوندموكراتيك بر عليه حكومت ظالمانه مالاها" حمايت كند.

اين آزين دفعه در مدت ۱۴ سال حكومت بنيادگراها بود كه يك وزير سرمايه‌داري دولت متبوعش را در فعاليتهاي تروريستي بر عليه اپوزيسيون در خارج از ايران به رسميت شناخت. علي فلاحيان وزير اطلاعات در كابينه پريزيدنت رفسنجاني در ۱۲ اوت ۱۹۸۲ در تلويزيون اعلام نمود كه: "سرويس هاي ما اعضا، گروهكها را در خارج از ايران تعقيب می نمايند".

كمتر از سه هفته بعد در ۱۷ سپتامبر ۲۰ نفر از فعالين اقليت كرد در ايراني در يك رستوران در برلين ترور شدند. در ۵ فوريه گذشته وزير امور داخلي تركه علنا تهران را متهم به مسؤليت داشتن در ترور روزنامه نگار ترك "اوگور موچو" در ۲۴ ژانويه ۱۹۹۳ اسود. فعاليتهاي تروريستي مرتكب شده توسط دولت مالاها در كشورهاي خارجي از زمان مرگ خميني در ژوئن ۸۹ در افراسيوس مستمر بوده است. اقدامات تروريستي فوق الذكر در كشورهاي مختلف جهان منجمله فرانسه، آلمان، ايتاليا، اطريش، عراق، تركيه، ژاپن، سوئيس، امارات متحده عربي ولبنان... انجام شده است. در ميان قربانيان شناخته شده می توان از دكتور كاظم رجبوي برادر مسعود رجوي رهبر مقاومت ايران در ماه مئي ۱۹۹۰ در ژنو و شاهپور بختنار آخري نخت وزير شده در پاریس در اوت ۱۹۹۱ و ۲۰ نوسنده ژاپني و انساني كتاب سلمان رشدی نام برد.

همچ كشوري در جهان ترديدي در شركت مستقيم رژيم هاشمي رفسنجاني در اين جانيت ندارد. در نتيجه ۲۳ سال تحقيق آقای رولان شانلان، قاضي سوئيسي، شواهدی از شركت سفارت ايران در ژنو در قتل كاظم رجوي ارائه داده است. حكم بازداشت براي ۱۲ تروريست منجمله سفیر ايران در امارات متحده عربي صادر شده است. دو تن از تروريست هاي فوق الذكر در ۹ انوامبر

۱۹۹۲ در پاریس دستگير شدند. تحقيق پيرامون ترور شاهپور بختنار به پايان نرسیده و چند عضو يك شكسه شامل چدين كارمند دولت ايران منجمله خواهرزاده خميني بازداشت گردیده اند.

چطور مي توان توضيح داد كه دولت رفسنجاني عليرغم تمام محكوميت ها و ايزولايسون بين المللي هنوز به تروريسم بعنوان يك سياست رسمي ادامه می دهد؟

در مدت ۱۲ سالي كه رژيم آخوندي در ايران حاكم است، تروريسم بين المللي مكمل سر كوب در داخل كشور بوده است. قبل از آنكه خميني در سال بعد از اعلام "جمهوري اسلامي" اعلام جهاد بر علميه مخالفتان در ژوئن ۸۱ بنياد، آنها از جزيستسي براي بيشتر يك ساله و سنج مردمی استفاده می كردند. ولي در عين حال در همان دوران، غرب به يك حد بفرار اعضا، اپوزيسون كه اكثرا وابسته به مجاهدين بوده بسيله چاقو داران كه مستقيما و بطور بختيانه بوسط حكومت نامس مالي می شدند، ترور كردند.

س از ژوئن ۱۹۸۱، سوج اقدام سر كوب بر عليه اپوزيسون آغاز كردند. مسجده آن مردك به يك مخددرار اقدام ترقيمي نشانه از زنداني بدليل نفايت سياسي در ۲۷۰ زنداني غلبي بدون احتساب بارداشتگاههاي مخفي، بوسط ۲۰ ميليون نفر از روشنگران كسه احساس تهديد می كردند، كشور اترك گفتند، در نتيجه يك مقاومت محم در داخل و در خارج ايران شكل گرفت.

سياست مدور تروريسم توسط خميني و رفسنجاني باعث اسجاد آشوب و هرج و مرج در ديگر كشور ها و بطور خاص كشورهاي خاورميانه و افریقا شده است. گروه شه نظامي و بنيادگراي لسانتي بنام "حزب اللسه" مدت ۱۰ سال غربي هزاره كروگان گرفت. اين گروه مستقيما بوسط دولت ايران نامس مالي شده وسلاحهايش را بر ازياسيه باسداران مستقر در لبنان دريافت می كرد. در قم، شهري مقدس در ۱۰۰ كيلومتری جنوب تهران يك يادگان نظامي اختصا به آموزش بنيادگرايان گردآوری شده از كشورهاي عربسي، افریقا و اخرا جمهوري هاي شوروي سابق دارد. چدين شكه نظامي در مصر، تونس، الجزاير و در ساجان نيركش شده اند.

عليرغم محاصره تسليحاتي سوئيسي - هرزه گوس، يك هواپيماي حمل و نقل ايراني، تحت پوشش حمل كمكهاي اساني در شهر زاكوب توسط نيروههاي كرواسي در سپتامبر ۹۲ توقيف شد. بنابه گزارش خبر- گزاراي فرانسه در پائيز گذشته، دولت جديد جمهوري آذربايجان سروهاي زميني اش را در امتداد مرز ايران به حال آماده باش در آورده و تانك هاي جديدي را در آن نطقه مستقر نمود. اين يك اقدام احتياطي بفرای جلوگیری از نفوذ گروههاي خرابكار ايراني بود.

در ضمن دوران رژيم تهران تسليحات فراوانسي روی رفرمهاي اقتصادي، گشایش بسوي كشورهاي غربي انجام داده است. آنها اينطور وانمود می کنند كه يك "پروستريكاي ايراني" را دنبال می نمايند ولي واقعت چير ديگري است. اگر چه تمام رسانه هاي جمعي ايران تحت سانسور حكومتي هستند ولي حقايق و معيبت مردم بقدری گسترده است كه اين حقايق به وسيل ارتباط جمعي نفوذ کرده و بيا توسط

سازمان حكومت بيان می شود. موقعی كه پريزيدنت رفسنجاني راجع به محاسب ۸ سال جنگ با عراق صحبت می كند، در ۸ اوت ۱۹۹۱ از طريق راديو دولتي می گويد: "تقريبا ۲۷ درصد از توليدات كشور كم شده. هزار ايراني در دوران جنگ ۵۰ درصد فقير تر شده. ۵۰۰ او می افزايد: "۵۰۰ شهير بمدت ده سال راكد بود. ۵۰۰ به مشكل بنگاري كه مرض اقتصادي بسار خطرناكي است دچار شدم. ۵۰۰ خسارات مادي جنگ حدود ۵۰۰ ميليارد دلار شد، ما عادل يك قرن در آمد نفت خود را از دست داديم."^(۱)

چهار سال پس از اسباب جنگ، وضعيت اقتصادي هم اكنون بسار وخيم تر از فرداي جنگ است. وضع نشانه اي از رشد اقتصادي رهسج طرح جدي سازاري به چشم نمی خورد. بر اساس گزارش ديسركل سازمان ملل متحد، ۶۰ درصد آنچه "سازاري" نامده می شود و شامل ساختمانهاي موسي حميد كه باند دوباره سازاري بشوند از ۲ - ۳ ميليون آوازه جنگ سها ۲۵۰ هزار نفر به مناطقي خود ساز كشته اند. ساند كسه روزنامه سلام چاپ تهران، ۶۰ - ۷۰ درصد كل حصيد بر خط فقر زندگي می كنند و ثروت سلك در دست ۱۰۰ سها ۲۰۰ خانواده فوق العاده ثروتمند است و همچي حدود ۲۵ درصد كوچكان از حصيد محروم هستند.

روزنامه كنهان چاپ تهران می گويد: "از شست ميليون جمعيت ايران، در حال حاضر ۱۲ ميليون فقره خدمات درماني دسري ندارند. ۱۳ ميليون فقر آب سالم ندارند، ۱۵ ميليون فقر بركش سزا شده، ۲۰ ميليون كوچك به مدرسه نمی روند. ۲۰ بدون احتساب اينكه ۹ درصد جمعيت كشور كه بخطر جنگ معقول هستند، به همي برب در سال ۱۹۹۱ تنها در شهر تهران ۲۹۰۲ فقر كوچكي موجود است. در حال كده در سال ۱۹۸۱ آمار خودكسي ۱۷۶ فقر بود.

عليرغم اس و اس اقتصادي، بخارج نظامسي افزايش يافته است. سرديست رسجاني براي نامس سلاحهاي هسته اي و اساي رن به خردی ترديد به خود راه نمی دهد. خود او در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۱ در يك مصاحبه با روزنامه جمهوري اسلامي اعلاي خود كه بوجه نظامي دوران پس از جنگ، ۲۰ درصد ستر از دوران جنگ است، بايد بوجه بلس ولس مخفي و اقدامات تروريستي و آشوبگري در خارج از كشور اسرت اس بوجه اضافه نمود.

در مدت سال ۱۹۹۱، ايران مبلغ ۲ بيليارد دلار تسليحات از شوروي ساس، ۵ بيليارد دلار از چين و ۵ بيليارد دلار از كره شمالي و ديگر كشورها خوسدازي کرده است. در ۱۹۹۱ در سلطنت خوسدازي شده از روسيه، سه زيبر در ياباي در اكتوبر ۹۲ به ايران تحويل داده شد. حقيقت است كه آرژان ايران كه در جنگه سانه با عراق نهان است شكست خورد، نه روجه، به انگمره در كير شدن در يك جنگ ديگر را ندارد. بنا بر اين تمام اس مخارج نظامي هدي جز كسرتش سر كوب داخلي و مدور تروريسم براي ايجاد بي نياي در كشورهاي ديگر ندارند. براي نمونه دولت رفسجاني در تسليح جناحهاي بنيادگراي افغاني و جمهوري تازه استغزل يافته تاجيكستان شركت می كند. اضافه باسداران پس از ترك لبنان در حال حاضر مشغول سر كوب جنبش هاي ملي گرا در جنوب سودان هستند.

مبارزه زنان ...

از صفحه ۱

در امریکا، که پیشرفته ترس جامعه سرمایه‌داری و نوی-ترین قدرت جهان است، بر سر برخی مسائل مربوط به زنان، از جمله حق سقط جنین، يك شكاف عمیق در جامعه به وجود آمده و جنبش فمینیستی در آمریکا، برای افشای دیدگاههای مردسالارانه، به يك مبارزه وسیع‌دامن رده است. این امر نشان می‌دهد که تبعیض جنسی چه عمقی در جامعه دارد و وضع نابرابری برای رفع تبعیض، اگرچه لازم است ولی کافی نیست. در کشورهای اروپایی هنوز برخی قوانین ناعادلانه در مورد زنان وجود دارد. در ژاپن با وجود پیشرفت سرمایه‌داری، هنوز تبعیض جنسی وجود دارد و به درجات مختلف عمل می‌کند. در اتحاد شوروی سابق، گرچه اینطور حقوقی-قوانین بسیاری به سود زنان وضع شده بود ولی در عمل اجرایی نمی‌شد. در جمهوریهای آسیای اساسا این قوانین مورد توجه کجی مردان قرار می‌گرفت و زنان مورد تبعیض بسیار قرار داشتند. به طوری که مسائلی که کار در این جمهوریهاست شده بود که زنان فقط در خارج از خانه کار می‌کردند. البته این امر بسیار مثبت بوده است، بلکه باید تمامی کارهای خانه را نیز انجام می‌دادند. برابری زن و مرد در شوروی سابق و به خصوص در جمهوریهای آسیای، بسیار سطحی‌تر از آن بود که حتی دشمنان اتحاد شوروی تصور می‌کردند. این مساله را از میزان مشارکت زنان در حزب کمونیست که تمام قدرت را در دست داشت، می‌توان فهمید. فقط ۲۰ درصد اعضای حزب کمونیست در سراسر شوروی زن بودند. در آخرین کمیته مرکزی ۲۰۷ نفره حزب کمونیست، ۱۲ زن وجود داشته و در دفتر سیاسی حزب که ۱۳ عضو داشته، هیچ زنی نبوده است. این، در حالی است که در بسیاری از حرفه‌ها مثل مصلحان، پزشکان، فرزندگان و... زنان دردم بالایی را داشته‌اند.

در کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، وضع زنان متفاوت است. در کشورهای آمریکای لاتین به علت فرهنگ خاص، زنان در عمل در بسیاری از موارد با مردان برابرند. ولی بازم قوانین تبعیض آمیز وجود دارد. در کشورهای آفریقایی، سنگی به موقعیت کشور و درجه پیشرفت اقتصاد، فرهنگ و سیستم حکومتی آن، وضعیت متفاوتی در مورد زنان وجود دارد. می‌توان گفت وضع زنان در کشورهایی که ساکنان آن مسلمان هستند، از همه بدتر است. در عربستان سعودی زنان اساسا حتی بجز خانداری ندارند. حتی رانندگی برای زنان ممنوع است. در اوایل نوامبر ۹۰ در این کشور ۴۷ زن که به عنوان اعتراض به ممنوعیت رانندگی برای زنان تظاهرات کرده بودند، دستگیر شدند. قبل از این تظاهرات، ممنوعیت رانندگی برای زنان در عربستان به طور غیر رسمی وجود داشت ولی پس از آن رانندگی برای زنان رسماً از طرف دولت ممنوع شد. موج بیان اسلام‌م و نمادگرایی در این گونه کشورها اساسا و در مرحله اول متوجه زنان است. سنکر مبارزه زنان برای حقوق خود اولین سنگری است که از طرف مسلمان‌گرایان اسلامی باید فتح شود. مثلاً در ایران، یکی از اقدامات اولیه رژیم خمینی حمله به حقوق زنان و ارائه تصویر زن در جامعه با دیدگاه مافوق ارتجاعی خود بود. جایگاه زن ایرانی و اندک حقوقی که زنان طی

سالها با حضور فعال خود در صحنه اجتماع (به ویژه حضور زنان مبارز در صحنه سیاست) کسب کرده بودند و برخی از آنها در رابطه با ضروریات مربوط به رفاه‌های سرمایه‌داری در ایران و مشارکت بیشتر زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بود، مورد تعرض رژیم قرار گرفت، و مقام زن در جامعه زیر سلطه رژیم خمینی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اداری، فرهنگی آموزشی و... همان جایگاهی شد که مردان ارتجاعی این رژیم برای آنان در نظر گرفتند.

- رشته‌های تحصیلی برای زنان محدود شد. به عنوان مثال تحصیل در رشته‌های برق، بهداشت دهان و دندان و... برای آنان ممنوع شد. طبق تصویب شورای برنامه ریزی ارسال تحصیلی ۶۲ به بعد دانشگاهها به هیچ وجه دانشجوی دختر برای رشته برق (برق فشار قوی) گزینش نمی‌کردند (ایران، ۳۰، ۶۷).

- زنان در دانشگاهها و ادارات وحی در انبوسها می‌بایست از مردان جدا شوند. آموزشگاهها و هنرستانهای مختلط برای این اساس می‌بایست تعطیل شوند و دختران هنرستانی که مدرسه مستقلی نداشته‌اند، سرگردان بمانند.

- حق تفاوت از زنان سلب و بعدها فقط به مشاورت محدود شد. زنان دیگر نمی‌توانستند در رشد حقوق قضایی تحصیل کنند و بدین ترتیب بخشی از زنان از فعالیت اجتماعی رانده و به صف بیکاران افروخته شدند.

در سال ۵۸ قانون حمایت خانواده ملغی اعلام شد و وظیفه رسیدگی به امور خانواده به مراجع شرعی واگذار شد.

- سن ازدواج برای دختران از ۱۸ سال به ۱۳ سال کاهش یافت.

- مراکز رفاه خانواده به تعطیل کشانده شدند و مراکز کمک به کودکان و تنظیم خانواده محدود شد.

رژیم خمینی حتی در خصوصی ترین مسائل مربوط به زندگی زنان نیز دخالت کرده و طبیعی ترین حق یعنی حق پوشش را از آنان (همچنان که از مردان سلب کرده است) دیدگاههای سران رژیم نسبت به زنان، چنان که بر سر مردم، عشق ارتجاعی بودن این رژیم را نشان می‌دهد. با این وجود زنان آزاده ایران، به خصوص بخش عظیم زنان شهری که مستقماً مورد سرکشی رژیم قرار دارند، در مقابل فشار رژیم مقاومت کرده و می‌کنند، آنان به هر شکلی که بتوانند سعی می‌کنند مخالفت خود را با معیارها و قوانین رژیم نشان دهند.

به طوری که هر از چندگاه رژیم و حزب اللهها بنام سرکوب زنان به بهانه "بدهجایی" را در می‌دهند و از این که زنان ایرانی، به اشکال مختلف، با رژیم و قوانین ارتجاعی آن مقابله می‌کنند، داد و فغان سر می‌دهند. بدون شك ایستادگی زنان و تن دادن آنان به رژیم قرون وسطایی خمینی، در این برهه از تاریخ میهن ما در مقابل اعمال سرکوبگرانه دار و دسته آخوندی، یکی از صفحات پر شکوه مبارزه زنان میهن ماست.

گفتم که مساله زن و رفع تبعیض از زنان، يك مساله مهم در جهان امروز است. با توجه به رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاور میانه، که بلاواسطه حقوق دموکراتیک زنان را مورد حمله قرار می‌دهد، و با توجه به این که کانون رهبری این موج ارتجاعی، رژیم ارتجاعی آخوندی حاکم بر میهن ماست، پس مساله

زنان در میهن ما در این مرحله با مساله موجودیت رژیم اسلامی حاکم، کاملاً گره خورده است. بنابراین، در يك بررسی کوتاه در مورد مبارزه زنان برای رفع تبعیض، ابتدا باید رابطه زنان با سیاست و بعد از آن موقعیت زنان در رابطه با قوانین حقوقی، مساله اجتماعی و خانواده، فرهنگ جامعه مورد توجه قرار گیرد.

زن و سیاست

در اواخر حکومت شاه، درین سنت سیاسی و اقتصادی رژیم در متن بحرانی که راه حل‌های انقلابی را طلب می‌کرد، زنان برای تحقق و تعمیق حقوق خود، پایه پای موج انقلابی، به سوی دگرگونیهای بنیادی گام برداشتند. در این جابجاء آزاد زنان مبارز و مارکسیست و مجاهد را گرامی می‌داریم که در عالی ترین سطح رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و رفقای مسئولی چون نرگس روحی آهنگران و شیرین فضلعلی کلام و... دلاورانه همراه با همزمان مرد خود جنگیدند و به نهایت رسیدند، با زنان آزادی مثل محمود شادانی (مادر کیمیرا)، فاطمه امینی واعظم روحی آهنگران و صداهای دیگری که در زمان شاه به جوخه اقدام سیرده شدند با خاطر آمانشان دوران سخت امارت و شکنجه را گذراندند، سپس بعد از آزادی از زندان، توسط دژ خیمان خمینی شکنجه شدند و به شهادت رسیدند. این آزاد زنان با خون خود بر نقش برابر خود نامزدان، در مبارزه عمومی برای رهایی از حکومت پهلوی صحنه گذاشتند. انقلاب ۲۲ بهمن، زنان ایران را در سطح وسیع و گسترده می‌باید سیاست جلب کرد. خمینی، که در فرم ارضی شاه مخالف شرکت زنان در انتخابات بود، پس از به قدرت رسیدن، برای منافع خود از شرکت زنان برای دادن آنان دفاع نمود. همان طور که گفتم، در کنار آن بسیاری از حقوق کسب شده زنان را نیز از آنان پس گرفت و به تدریج یکی از بی سابقه ترین سرکوبها را در مورد آنان انجام نمود. از طرف دیگر در فرای انقلاب و به علت تسلط فضای " همه با هم" و تاثیر آن در بسیاری از گروههای سیاسی، از اولین حرکتهای اعتراضی زنان، دفاع لازم به عمل نیامد و بدین لحاظ زنان بخش غیرسیاسی جامعه پس از هر موقع دیگر تحت فشار قرار گرفتند. ما مساله‌ای که جنبه کمری در مقابل رژیم خمینی اشکال حادثی به خود گرفت، مساله تبعیض جنسی نیز مورد توجه بیشتر واقع شد. تمامی جناح‌های رژیم خمینی در مورد "برحق" بودن تبعیض جنسی اتفاق نظر داشتند. در مقابل، در جنبه مبارزه علیه ارتجاع، مساله حقوق دموکراتیک زنان مورد توجه بیشتر قرار گرفت و رفع تبعیض جنسی به یکی از شعارهای مهم جریانهای سیاسی ترغیبخواه تبدیل شد. پس از ۳۰ خرداد ۶۰ و شرکت وسیع زنان در مبارزه مسلحانه انقلابی، این مساله که مبارزه زنان برای رفع تبعیض جنسی و برابری کامل با مردان در بیشتر مبارزه با رژیم حاکم رشد می‌کند، به يك اصل مسلم تبدیل شد. به طوری که امروز بدون مبارزه جنسی و مخالفت با رژیم حاکم، مبارزه برای رفع تبعیض جنسی، هیچ جا امکان جدی در مبارزه زنان میهن ما ندارد. بر عکس شرکت هر چه بیشتر زنان در مبارزه سیاسی و کوشش

پ

آنان برای بروز استعدادهای خود وقبول مسئولیتهای هر چه بیشتر، شرایط را برای رفع تبعیض در مورد زنان هر چه بیشتر فراهم می آورد. کناره گیری زنان از سیاست و محدود کردن مبارزه شان تنها به مبارزه برای رفع تبعیض جنسی، به مثابه جدا کردن خود به عنوان انسانهایی برابر با مردان است. اگر حوزه سیاست تنها به مردان واگذار شود با این توجه که زنان، صرف نظر از ماهیت قدرت سیاسی، باید برای کسب حقوق مساوی با مردان مبارزه کنند، این امر به تنها جنبش زنان را از مهمترین مسائل اجتماعی جد می کند، بلکه این تفکرواندیشه رادوزنانی که چمن می بیند، به وجود می آورد که در زمینه های از مردان جدا بوده و بنا بر این بر این نیستند. این اندیشه سبب ست کردن پایه های جنبش زنان از درون خود چمن، برای کسب برابری با مردان خواهد شد. باید همسایگان کسم که مبارزه سیاسی، اگر چه حوزه لازم فعالیت زنان در شرایط کنونی است، ولی به تنهایی کافی نبوده و اگر به همسایه حوزه بسنده شود، جنبش زنان به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. بنابراین زنان باید برای وضع قوانین در جهت برابری با مردان مبارزه کنند. و اما امروز، در این برهه از مبارزه علیه تعدد بشری، زنان بیش از هر موقع دیگر در صحنه مبارزه فعال هستند. زنان امروز به صورت اعتراضهای فردی، وجه در شکل شرکت در تشکیلات ویژه زنان، چه به صورت شرکت در مجامع و گرد هماییها در مخالفت با رژیم، چه با شرکت در اعتصابات کارگری و کارمندی و هم چنین شرکت در تحمیلها و اعتراضات جمعی با شرکت در فعالیت های سیاسی و تشکلهای سیاسی، مخالفت خود را با اعمال سرکوبگرانه رژیم نشان می دهند. حضور فراوان زن، از دختران نوجوان تا مادران پیر و سالخورده با مادرانسی همراه با فرزندان سرخوار خود در رده های رژیم، و خراش زن مجاهد و مبارزی که توسط جلادان خمینی اعدام شده اند، خود گواه شرکت فعال زنان در صحنه سیاست می باشد.

زن و قوانین اجتماعی

مساله تبعیض جنسی در بسیاری از نواحی، گاهی به اشکال غریبان و گاهی به اشکال ظریف و پیچیده مطرح شده است. رژیم آخوندی در این زمینه وضوح تبعیض جنسی را میورد تا کاندید قرارداد: وجه در قوانین وجه در عمل آن را نشان می دهد. در این جا به چند نمونه مختصر از قوانین ارتجاعی رژیم نسبت به زنان اشاره کنیم.

- طبق قانون قصاص ماده ۲۲، شهادت دوزن نابالگ مرد، آن هم در موارد معدودی برابر می باشد.

- طبق قانون قصاص ماده ۱۳، سهم زن از ارث مساوی نصف سهم مرد است.

- طبق قانون قصاص ماده ۱۲، زنان مرده "محبوران" و "نابالغان" محسوب می شوند.

- طبق قانون قصاص ماده ۶، در مورد قتل، خونسپای زن نصف خونسپای مرد است.

- طبق قانون قصاص ماده ۲۲، قتل آنها ناشهادت دومرد قابل اثبات است.

- طبق اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی،

رئیس جمهوری باید از میان مردان انتخاب شود.
- طبق ماده ۱۲۲ قانون مدنی، حق طلاق فقط با مردان می باشد.

سازاری از حریکهای مذهبی جامعه ماسر صریحا به برابری زن و مرد در تمام زمینه ها اعتراف نمی کند. بعضی از آنها، مثل سخت آزادی و سکرانی که مدعی آزادیخواهی نیمی می باشند، در مواردی که به جد پسای شریعت و احکام مذهبی پیش می آید مثل فاسقون ارث، حق طلاق و ... سکوت معنی داری می کنند. حتی دکتر علی شریعتی که یک روشنفکر مذهبی و مدافع آزادی بود، در این مورد با تناقض به توجه نامراسری می بردارد و در کتاب اسلام شناسی خود می نویسد: "آن چه مسلم است آنست که از زمان مصلحان و اندیشمندان بزرگ تاریخ، که تا سالها باور رانیده اند به مساوی در او بگرسند، محمد (ص) تنها کسی است که جدا سه سرنوشت زن برداخته و حشمت انسانی و حق سقو اجتماعی وی را به او بر داده است. اعطای حق مالکیت فردی، استقلال اقتصادی زن و در عین حال منع بد ساختن مردن نامس زدگی وی به گونه ای که حتی برای شمر دادن کودک می تواند حق خویش را از همسرین مطالبه کند، و سر بعهده پرداخت صبره، - اگر چه امروز آن را منظور می دانند - بنامیده شخصیت زن و سر بشتوانه اقتصادی در جهت نامس آئنده وی بریده است و نیز مساوی حقوقی و مذهبی او با مردان زن را بر عهده زن و همسواره می خواند است. برزی سلطی مستندانه داشته باشد، مستقل ساخته است. در عین حال که با تبعیضات موجود میان زن و مرد به شدت مبارزه می کند، به طرفستدار تبعیض است و به معتقد به مساوی، بلکه می گوید تا در جامعه هریک را در جایگاه طبیعی خویش بنشانند. تبعیض را اجابت می داد و مساوی را با درست طبیعت زن را به دست بر آورد می داد و به همساند مرد طبیعت این دورا در زندگی و اجتماع کمال بکنید سرشته است و از این روست که اسلام، برخلاف تمدن غرب، طرفدار اعطای حقوق ضمنی به این دواست نه حقوقی مساوی و مشابه. و این سرگرسن سخن است که در این باره می توان گفت."

ابوالحسن سی صدره نحو جالی تبعیض در مورد زنان را توجه می کند. وی در مورد تبعیض در سرن ارث، به این درو آن در می رسد تا ثابت کند که این تبعیض به در مورد زنان بلکه در مورد مردان است. بنی صدر پس از یک سلسله استدلالات میان نپی این گونه وانمود می کند که اگر زنان نصف مردان ارث می برند، این برای آنان یک امتیاز است. به استدلال او که در نشریه انقلاب اسلامی در شماره ۲۱ فروردین ۱۳۶۶ چاپ شده، توجه کنید: "چرا زنان نصف مردان ارث می برند؟ حق این است که نه تنها زنان نصف مردان ارث نمی برند، بلکه در ارث نیزه زنان امتیاز داده شده است. در واقع زن از دوسر برابر مرد سیر بیشتر ارث می برد. زیرا در باره مرد حق در برابر تکلیف است. اما در باره زن در ارثی حقش برابر تکلیفی مطرح نشده است. توضیح آن که، به شرح بالا، نه تنها مرد باید نفقه همسر و فرزندان را قبول کند، بلکه باید در ازای کار همسر، حقوق بپردازد. با او در درآمد خود شریک سازد. پس در واقع سهمی که می برد از آن او و همسر او فرزندان او یعنی یک خانواده است و باید صرف

هزینه بگردد! سهمی که زن از ارث می برد، به خود او تعلق دارد و زن صرف هزینه نمی کند. در جایی که این توضیح را می داد، کسی پرسید اگر این طور است چرا اسلام به زن بیشتر از مرد سهم داده است؟ این سار به نابرابری به سود زن اعتراض می شد! اما وقتی مسائل موضوع اشاره و توضیح در نظر گرفته شوند، آشکار می شود که امتیاز بی جایی به زن داده نشده است. زیرا گذشته از ضرورت تقسیم اجتماعی کار، در هر حال امکان کار زن، ۱۰ تا ۱۵ سال کمتر از مرد است و صرف این زمان طولانی در تعلیم و تربیت نوزندان جبران می طلبد. یکی از جبرانها، همین سهمی است که از ارث می برد. به خصوص که تحول واقعی روابط اجتماعی، امری طولانی است. به تدریج باید مساوی استقلال مالی زن محکم گردد تا بتواند با استقلال بیشتری، همسر انتخاب کند. مناسب ترین راه برای رها کردن زناشویی از قید فشار عوامل اقتصادی، نامس هر چه بیشتر استقلال مالی زن است."

درین نیروهای مذهبی جامعه، سازمان مجاهدین خلق برابر زن و مرد را به عنوان یک اصل قبول دارد و در مواردی مثل ارث و طلاق نیز کاملا از عدم تبعیض و برابری کامل دفاع می نماید. حضور فعال و گسترده زنان رزمنده و شجاع آزاده های بانس نازدهای عالی فرماندهی ارتش آزادیبخش ملی و هم چنین حضور آنان در سطح مسئول و سازمانده سازمان مجاهدین تا کاندید گاه آنان نسبت به برابری زن و مرد می باشد. بریم رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران در بیانی که به مناسبت ۸ مارس در تاریخ اول اسفند ۱۳۶۷ بر ستاد، بر طرح شورای ملی مقاومت مبنی بر برابری زن و مرد تاکید کرد. در این پیام آمده است: " طرح شورادر باره آزادیها و حقوق زنان به حق انتخاب آزادانه زن در زمینه های مختلف - از انتخابات عمومی گرفته تا انتخاب آزادانه هر شغل و مقام و حق هر گونه فعالیت سیاسی و اجتماعی ناحق انتخاب آزادانه لباس و پوشش - گواهی می دهد و روح استفاده بدون تبعیض از کلیه امکانات و فعالیتهای آموزشی و تحصیلی و ورزشی و هنری صحه می گذارد. طرح شورا، دولت موقت آئنده راه حمایت از سازمانهای داوطلبانه زنان در سراسر کشور موظف می سازد. حق طلاق برای زن و مرد مساوی است. زن و مرد در شهادت دادن و سرپرستی اولاد وارث یکسانند. چند همسری و تعدد زوجات اساسا ممنوع است. هر گونه بهره کشی و استثمار جنسی ارزن تحت هر عنوان شرعی و غیر شرعی ممنوع شناخته شده و همه رسوم و قوانین ارتجاعی بسند خمینی علیه زن و مقرراتی که طبق آن زن یا دختری را تحت هر عنوان برای تمنع جنسی یا بهره کشی بسند دیگران و اگذار می کنند یا می فروشند لغو گردیده است."

درین نیروهای سیاسی غیر مذهبی جامعه نامس جنبه حقوقی برای رفع تبعیض به طور ساده تر مورد نایید قرار می گیرد، اما در بخش هایی از این نیروها و به خصوص در جریانیهای "ملی گرا" و طرفداران شاه، موارد بسیاری از حقوق دموکراتیک زنان، مثل حق برابر در طلاق و حق برابر در قضاوت مورد قرار نمی گیرد. در عمل بسیاری از نیروهای غیر مذهبی مثل عقب افتاده ترین نیروهای مذهبی



جامعه، عمل می‌کنند نیروهای مدعی مارکسیست بودن در برنامه های خود از رفع تبعیض جنسی دفاع می‌کنند، ولی نقش و دخالت زنان در این نیروها ناچیز و کمیت و کیفیت شرکت آنان در سطحی است که ناشی از روحیه مردسالارانه ذرائع جریانه است. این مساله نشان می‌دهد که مساله تبعیض جنسی چه ابعاد وسیع و چه عمقی در جامعه دارد. بنابراین مبارزه زنان برای برابری حقوقی، با مردان دارای اهمیت بسیار برای جنبش زنان است. زنان کشور باید یکی از اساسی ترین مبارها برای بررسی نیروهای سیاسی کشور را موضع آنان در قبال وضع قانون علیه تبعیض جنسی بدانند. باید توجه داشت که وضع قوانین ضد تبعیض جنسی، به معنی خاتمه یافتن کار نیست. در بسیاری از کشورها با این قوانین علیه تبعیض جنسی وجود دارد، اما این قوانین در عمل، در موارد متعددی توسط خود زنان، به صورت مخفانه با اشکال مختلف نقض می‌شود. بدین جهت باید که وضع قوانین علیه تبعیض جنسی راه را برای برابری کامل زنان می‌کند ولی ناتفخیر در روابط اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی، مبارزه زنان ادامه خواهد یافت.

زن و روابط اجتماعی

از هنگامی که روابط پدرسالاری جانشین روابط مادرسالاری شد، زن در جامعه عملاً وظیفه کار در خانه را به عهده گرفت. به دنبال آن زن خانه نشین شد و به صورت ملکی درآمد که "حاصل"ش تولیدیچه بود. نقش زن در جامعه و زندگی اجتماعی موجود، قرون وسطی تاریخ ترین دوران در این زمینه بود. اما رشد روابط سرمایه داری و احتیاج به نیروی کار و سپس رشد فرهنگ جامعه و این که زنان به تدریج وارد بازار کار می‌شوند، مساله شرکت و مداخله زن در روابط اجتماعی را به شدت مطرح کرد و این خودیانه و ریشه مبارزه زنان برای برابری حقوقی با مردان شد. در این راه زنان بسیاری پیشتر از مبارزه برای برابری با مردان شدند و در اثر این که جامعه اساساً بر پایه پدرسالاری است، ایده‌های پیشرفته آنان را نداشت، آنان شجاعانه و باید عرض شود نوجوانان و تحقیرها، به مبارزه برای آزادی زنان مبادرت می‌ورزیدند. در واقع پدرسالاری ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن دستاورد بزرگ مبارزه زنان در دور آن معاصر بود. از آن به بعد زنان هر چه بیشتر در روابط اجتماعی شرکت نمودند و اکنون تقریباً در تمامی حوزه‌های زندگی اجتماعی، کم و بیش مداخله دارند. در این حوزه و تا آنجا که به زنان مربوط می‌شود، باید تصریح کرد که روحیه استقلال و برابری طلبی هنوز به شدت ضعیف است. اگر از جامعه خودمان شروع کنیم، می‌بینیم که در مسائل اجتماعی در دوران زنان و از جانب خود آنان یک مرز با مردان کشیده می‌شود. وقتی در حوزه اجتماعی وقت طور واقعی زن نبود را موجودی مستقل و برابر با مرد نداند، شرایط برای اعمال تبعیض بیشتر فراهم می‌شود. نباید فراموش کرد که رژیم چینی هم از سرکوب و هم از این نقطه ضعف زنان برای اعمال تبعیض جنسی استفاده می‌کند. زنی که در دوران، خود را "ضعیفه" و "مستحق تبعیض" بداند، نمی‌تواند برای برابری را بدست آورد. زنی که بعضی اقدامات را برای مرد درست و برای زن نادرست می‌داند،

از مردی که چنین می‌اندیشد ارتجاعی تر است و مردی که این گونه می‌اندیشد، از مرد دیگری که همین امر را برای همه نادرست می‌داند، ارتجاعی تر است. و تا وقتی که در جامعه، انسانها، صرف نظر از جنس (والیته صرف نظر از مذهب، ملیت، نژاد)، به عنوان انسانهای مستقل و برابر، مورد برخورد قرار گیرند، مبارزه زنان ادامه خواهد یافت. در زمینه های اجتماعی، به علت احتیاج جامعه به زنان زمینه برای کسب برابری فراهم تر است و اگر زنان خود را موجودی مستقل و برابر بدانند، می‌توانند موفقیت‌های زیاد دست آورند.

زن و خانواده

خانواده قدیمی ترین نهادهای جامعه بشری و پایدارترین آنهاست. از آن جا که ادامه زندگی مستلزم روابط خانوادگی زن و مرد است. این رابطه طبیعی ترین رابطه اجتماعی است. هنگامی که این رابطه بر محور رابطه دوانسان برابری و حقیقتاً مجزا از جبر طبیعت و به مثابه یک رابطه داوطلبانه انسانی قرار گیرد این رابطه خانوادگی نمی‌تواند سالم و بازنده باشد. رابطه زن با مرد در خانواده پس طبیعی بودن آن، پیچیده ترین رابطه است. این رابطه در طول تاریخ و از پیدایش نهاد خانواده، همواره مملو از تبعیض و نابرابری بوده است. دختری که برای سر کردن شکم خود باید شوهر کند، بازار "ترشیده شدن" و "پدر دختر" شدن می‌ترسد، یا بر اساس قراردادهایی که در آن "عشق" جایی ندارد وارد زندگی خانوادگی می‌شود. خود به وجود تبعیض در خانواده محه می‌گذارد و به روحیات مردسالاری در خانواده میدان می‌دهد. به همین گونه که نهاد خانواده یک نهاد ضروری و طبیعی جامعه است، رفع تبعیض در این نهاد به انسانی ترین خانواده و جامعه منجر خواهد شد. زن برای وارد شدن به محیط خانواده باید قبل از این که به سنتها، قوانین، ضروریات و نهادها بندید، به "عشق" بندید و پس از آن با "عشق" وارد مناسب خانوادگی شود. در روابط خانوادگی نیز زن باید این ایده دیرین که باید "تابع" مرد بود یاد مرد شود. فراتر رود و دارای مناسبات برابر و متقابل باشد. باید - سیمن دیووار، زن نویسنده شجاع فرانسوی - کتاب "جنس دوم" در این مورد می‌گوید: "در این محیطها، انتخابها، رضایتها، عدم قبولها نباید نهادها، قراردادهای، منافع، فرمان ببرد. اگر دلبسته همان سیاق عملی که خود محرکش می‌شوند نباشد. کار انسان به دروغها، کژیها و نقضها می‌انجامد. برای برابری زن و مرد در این رابطه نه از جنبه حقوقی، بلکه در عمق آن چنین جمع بندی می‌کند: "یکی نمی‌تواند در دیگری حل شود. این عشق باید نسیب، مناسبات متقابل است که باید ماهیت رابطه دوهی آزاد را تعیین کند." (در همان کتاب). وی سپس جوهر این رابطه یعنی عشق را چنین بیان می‌کند: "عشق می‌تواند و باید مبادله آزاد دوهستی که هر یک دیگری را کفایت می‌کند باشد." مسلم است که پذیرش این اصول در روابط خانوادگی مستلزم کار فرهنگی گسترده و غلبه بر بسیاری سنتهای ارتجاعی و عقب افتاده است. این نیز راهی بس طولانی و پیچیده و پررنج و از طرف

دیگر سازنده و رشدیابنده برای زنان است. در این مسیر البته باید در دفاع از مناسبات متقابل و برابر برای حق طلاق برابر برای زن و مرد مبارزه کرد. گرچه نباید طلاق را تشویق نمود، اما نباید آن را به مثابه یک "تابو" و یک اقدام زشت و نفرت انگیز برای زنان تصویر نمود. جامعه، به طور طبیعی، زن طلاق گرفته را چشم بند نگاه می‌کند. این جامعه نسبت به مرد مثابه هرگز چنین قفاوی ندارد. جقدر ننگین و نفرت انگیز است که کسانی که از حق برابر مرد و زن در مورد طلاق دفاع نمی‌کنند. به فقط این حق را به مردان می‌دهند، بلکه هنگامی که سراسر این حق نابرابر، مردی زن خود را طلاق می‌دهد، به زن بمثابه موجودی "تحقیر شده" و "طرشیده" نگاه می‌کند. استقلال اقتصادی برای زن اهرمی است که می‌تواند نه فقط به مناسبات برابر، آزاد و متقابل زن و مرد کمک کند، بلکه راه را برای غلبه بر بسیاری دردها و رنجهایی که جامعه مردسالاری بر زنان تحمیل می‌کند، می‌گشاید. زنی که خود را از قفس کار خاکی به ستاد وظیفه اصلی، رها نشود، رسی که خود را از بند این ساله که وظیفه او تولید مثل است و لاغری، رها نمود، رسی که توانست استقلال اقتصادی دست آورد و در جامعه خود را حقیقتاً برابر با مردان دانست، زنی که در عرصه قوانین حقوقی، توانست هر گونه تبعیض جنسی را لغو نماید، زنی که در عرصه مبارزه سیاسی و اجتماعی فعالانه و به طور برابر با مردان وارد عرصه فعالیت شد و سراسر شایستگیها و تواناییهای خود در مقابله با مرد مسئولیت قبول نمود، این زن می‌تواند از زن مثابه خود که نتوانسته این حقوق و موقعیتها را بدست آورد، بهتر متعلق شود. و بر این عشق نه از نقطه ضعف و احتیاج بسک طرفه، بلکه از نقطه قدرت و برای تمامی رابطه متقابل تاکید نماید. چنین زنی هرگز خود را اسیر تحکیمات رسیا، که با واقعیات سخت همخوانی ندارد، نمی‌کند و بدین ترتیب می‌تواند به عنوان یک عضو جامعه سران ناتسزگداشه و در جهت تغییر آن به مسامت مسالستی که "انسان" را حاکم نماید، مبارزه کند. سرانجام چنین زنی می‌تواند، در صورتی که ضرورت احباب کند برای اهدات عالی بشری یعنی برای رهایی انسان از "عشق خود" بگذرد تا آنگاه بدون ندرتها، قراردادهای، نهادها و سنتهای بازدارنده رشد بشری بتواند عشق بورزند.

زن و فرهنگ جامعه

بدون تغییر در فرهنگ عقب افتاده یا غلبه عقب افتاده فرهنگی در جامعه پیشرفته نمی‌توان به طور قطعی و نهایی بر تبعیض جنسی غلبه کرد. فرهنگ ارتجاعی و سنی، سبترین سه راه برابری زن و مرد است. این فرهنگ ارتجاعی و سنی که ریشه‌های عمیق در جامعه دارد، بسیاری از قوانین ضد تبعیض جنسی را خنثی و اراده زنان برای خیزش و حرکت در جهت رفع تبعیض را به بند می‌کشد. در جامعه ما فرهنگ سنتی ریشه‌های عمیق دارد. فرمهای سال ۱۲۴۱ شاه که برای رفع بحران اقتصادی - سیاسی رژیم صورت گرفت، ریشه‌های شرکت بیشتر زنان را در فعالیتها، اقتصادی و اجتماعی فراهم ساخت و تعداد زیادی از زنان

در رسانه‌های خبری جهان

ارم‌فچه ۶

علیرغم سرکوب داخلی، اعتراضات در ایران جایی برای سکوت نگذاشته‌اند. در مدت ۱۸ ماه گذشته، ۳۰۰ تظاهرات، اعتصابات و آکسیونهای اعتراضی در شهرهای بزرگ و متوسط ایران رخ داده است. مشهد سومین شهر بزرگ کشور در ۸۰۰ کیلومتری شرق پایتخت، در ژوئن ۹۲ شاهد بزرگترین تظاهرات اعتراضی ۱۰ سال اخیر بر علیه حکومت بود.

تظاهرات از یک منطقه آلونک نشین آغاز شدند، سپس تظاهرکنندگان خمگین به مراکز حکومتی و مراکز قوای انتظامی و پلیس مخفی و شهرداری حمله نمودند. مدت ۲۴ ساعت شهر همدان در زمان انقلاب ۱۷۹۹ از تسلط قوای حکومتی آزاد شد. همدان، شعاری که بیشتر

"من قهرمان نیستم"

ارم‌فچه ۲

شود آخدا وجود دارد؟ خواهم گفت نه... این سندان معنا نیست که سکر حق دیگران برای دادن یا سنج مثبت به این سوال هستم.

اشترن: چگونه می‌تواند مسئله شما خوانده باشد؟ رشدی: با "جنجال رشدی" می‌بایست همانگونه برخورد شود که با آپارتاید در آفریقای جنوبی. هر جا آفریقای جنوبی هاسر و کله‌شان پیدا می‌تواند آنها سوال می‌گردید: آپارتاید چه شد به آنها اذیت‌آوردی می‌شد و این آنان را عذاب می‌داد. این امروز هم ملاحار این عذاب خواهد داد. زیرا با او برخورد حتی خودکامان نیز دوست دارند محبوب باشند، می‌خواهند دوستان بدانند. اشترن: چه علاقه‌ای می‌تواند غرب داشته باشد که به جای نفت درباری شما با ایران مذاکره کند؟

رشدی: مسئله فقط به من مربوط نمی‌شود. کسی که از من حمایت می‌کند، همچنین از یک ایده هم دفاع می‌نماید. ایده آزادی بیان و در این رابطه از تمامیت یک فرهنگ و از ایرانی هاکه بیش از همه تحت رژیم ایران رنج می‌کشند.

اشترن: و اگر غرب شما را فراموش کند چه؟ آنا زاسن تریس: ندارید که به حال خود رها شوید؟

رشدی: من تصمیم گرفته‌ام که تریس زیرا اگر تریس داشته باشم برای طرف مقابل پیروزی است. می‌توان حتی دیگر تریسید اگر به رنده ماندن یک نفر کمک کند، حتی زمانی که دلایل خوبی هم برای وحشت داشتن وجود داشته باشد. و من قهرمان نیستم، باور کنید.

ترجمه: نازک

دسامبر ۱۹۹۲

در نکشید
آثار سازمان
بکوشید

از همه شنیده می‌شد "مرگ بر رفسنجانی" بود. ولی حکومت برای عکس العمل انتظار نکشید. هفته بعد از آن ۳۰ تظاهرکننده بدون برخورداری از کمترین بروسه قضایی در ملاحم اعدام شده‌اند.

دولت مجاهدی را متهم به سازماندهی موج آکسیونهای اعتراضی و تظاهرات کرده است. سرزودی اعدام ریدان ساسی و قتل اعضا، اپوزیسیون در داخل کشور و اقدامات تروریستی در خارج کشور چند برابر شد. در ۵ ژوئن یک سو، فصد وسیله بمب گذاری علیه دفتر محادس و یکی از مسئولین آنها در استامبول انجام گرفت. اکثر قربانیان ربوده شد و جسد او در حومه شهید گردید.

منظر مباح دینیمانک خارجی در تهران، اکسیر تظاهراتی مشابه مشهد در تهران اتفاق یافتند منجر به سقوط حکومت می‌شود. حاکمان اسراخوری درک کرده و از آن وحشت دارند. بدین دلیل فرامانده

مبارزه زنان برای برابری

ارم‌فچه ۹

جذب تولد شدند. اما به دلیل ماهت ساختار سیاسی رژیم این حقوق عقب نماندند و نتوانست بر بنیادهای جامعه سنتی و نهادهای فرهنگی ارتجاعی غلبه و آن را نابود کند. تا قدرت گیری استبداد مذهبی خمینی و نابودی عناصر رشد یافته فرهنگ جامعه این عناصر ارتجاعی تقویت و بر عقب تبعیض جنسی افزوده می‌شود. فرهنگ و سنتهای ارتجاعی علیه زنان در جامعه ما از خانواده شروع و به تمامی جامعه گسترش می‌یابد. پدر و مادر برای فرزندان پسر حقوقی قائلند و این حقوقی را حق طبیعی و مسلم آنان می‌دانند در حالی که برای فرزندان دختر ذره‌ای از این "حقوق مسلم و طبیعی" را قائل نیستند. در جامعه به طور روزمره زنان به خاطر اقداماتی که مردان به مثابه یک امر "طبیعی" بدان دست می‌زنند، مورد تحقیر قرار می‌گیرند. زن خوب از نظر فرهنگ سنتی جامعه زنی است که کارخانه را خوب انجام دهد، فرزندان زیاد و سالمی بدینا آورد، محسب را برای آرامش مرد در خانه آماده سازد. زنی که تحت سلطه چنین فرهنگی قرار گرفته و این فرهنگ را پذیرفته است، بستگی به موفقیت طبقاتی خود، این وضع را به نوعی توجیه می‌کند، زن در فرهنگ سنتی جامعه همیشه تابع محض مرد است و حرکات زندگی، به خصوص مسائلی را که در خروج از خانه برایش پیش می‌آید، باید تماماً به اطلاع مرد برساند. عقب افتاده‌ترین اقشار بخش سنتی جامعه، حتی زنان خود را، در جلوی دیگران، نه به نام خودشان بلکه به نام فرزند سزرگ برشان مورد خطاب قرار می‌دهند، زن در چنین فرهنگی باید به خود بقبولاند که آن چه برایش پیش آمده، "طبیعی" و "منطقی" است و بنابراین "تسلیم" است به رضای "خدا" و شوهر که باید همه چیزش را در خدمت او قرار دهد. زنان این بخش از جامعه نباید حرفهای بزرگتر از دهان خود بزنند و به کار بزرگ ترها (مردان) یعنی تمام کارها به استثنای کارخانه و بچه دار شدن و بچه بزرگ کردن دخالت کنند. "تضعیف" بودن، مشخصه زن در این بخش از جامعه است که البته جبر زمان خواهد کرد.

سیاه یاسداران باید ۲۰۰۰ سنجی "ایدئولوژیک" را که از سرکوبگرترین عناصر رژیم هستند در خود جذب کند.

بزرگداشت رفسنجانی توان حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور را ندارد. تیرا را اسناده از سرکوب، از هیچ وسیله‌ای برای روبرویی با خواسته‌های مردمی در اختیار ندارد. اینک وقت آن است که همدان در خواست اخیر مسعود رجوی از دبیرکل ملل متحد، جامعه بین المللی عکس العمل نشان بدهد.

نلی فراستی

زیر نویس: (۱) ایران چهارمین تولید کننده نفت جهان است.



و پیشرفت فرسنگ عمومی جامعه و تاثیرات مسامره سیاسی و اجتماعی در این بخش و سر سراسری که در جامعه در رابطه با زن به وجود آمد. هر چند از تمام مردمی این بخش برخاسته و وارد می‌شود. اما اسرا خود اسرا جای خواهد گذاشت. در محافل سخن برنخواهد جامعه مافراد دارد که در حرف برابری حقوقی و مورد راقبول دارد و به میزانی که شرایط کل جامعه اجازه می‌دهد، در عمل نیز موارد بسیار از اسرا برای راسه رسمیت می‌شناسد. نکته مهم این است که اسرا بخش و بخش سنتی جامعه در این زمینه، ماهر و شناسا حاکم است. این امر نشان دهنده عقب ماندگی جامعه در آن است. مع الوصف مردان این بخش برای زن در تمام زمینه‌ها همان حقوقی را قائل هستند که برای مردان. زنان کشور ما باید از این فرهنگ ترفیخواهانه جامعه دفاع کنند حتی منافع زنان سنتی جامعه در دفاع از این فرهنگ است. امروز بخش قابل توجهی از زنان جامعه شهری مابه اشکال مختلف علیه رژیم مبارزه می‌کنند، قوانین و مقررات رژیم را به سرخه می‌گیرند و هر کجا که بتوانند علیه بیدادگرهای رژیم آخوندی به اقدام مستقیم دست می‌زنند. این مبارزه در جنبه مقاومت و در جهت تقویت فرهنگ برنخواه جامعه است. ولی این که بسیاری از زنان به طور دقیق به اسرا واغند نباشند و عموماً این فرهنگ برنخواه بر اسرا روشی نباشد. اما فرما که با سرنگونی رژیم آخوندی شرایط دموکراتیک در جامعه ما ایجاد خواهد شد و مبارزه زنان برای رفع تبعیض جنسی و برابری با مردان در عرصه‌های مختلف شکل اجتماعی سازمان یافته به خود خواهد گرفت، در جدال برای نابودی فرهنگ سنتی و عقب افتاده جامعه، زنان از تحریکات مبارزه در شرایط کنونی و از رشدی که در جامعه نبوده‌اند، به مثابه یک سرمایه بزرگ استفاده خواهند کرد. مبارزه زنان در عرصه حقوقی، به علت این که مقاومت انقلابی از پیش تمامی قوانین که در آن تبعیض جنسی وجود دارد، ملغی شده اعلام داشته، پیشرفت محسوسی خواهد داشت. اما در زمینه تغییر فرهنگ جامعه راهی طولانی در پیش خواهد بود که حمایت از این مبارزه و اعتراض زنان کشور و دامن زدن بدان، آن را کوتاه خواهد کرد.

زینت میرهاشمی

شهدای فدائی

از صفحه ۱۲

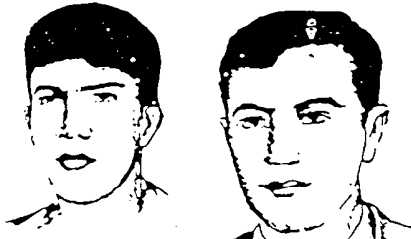
اردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر موید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - فرسدون نجف زاده - علی اکبر صفائی فراهانی - جلیل انفرادی اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عرقی شعاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمد علی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوشنگ نیری - نامرصد دلیل صفایی - مسسا بیژن زاده - بهام امیری دوان - عبدالرضا کلانتر - نیستانی - احمد غلامان لنگرودی (هادی) - محمدرضا بهکش - نظام - حمید آزادی - عباس - جعفر بیجیه شاهی - محمد علی معتقد - جواد غفوریان - جلیسل حواری نسب - سعید عقیقی - علی خلغی - عبدالرحیم صبوری - تیمورستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو بهاء الدین نگهداری - خسرو فدائی - سیروس فردوس - ناصر نجم الدینی محتسب خرم آبادی - منصور حبیبی زاده -

ابن رفقا طی سالهای ۲۹ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیم های شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند -

برخی از رویدادهای تاریخی

در صفحه ۱۱

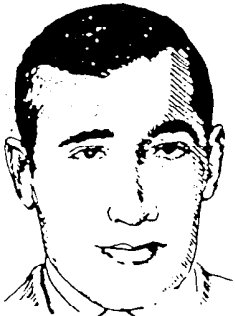
خارجی از ۲۰ فوریه تا ۲۰ مارس
 ۲۶ فوریه ۱۸۴۸ - انتشار مانیفست حزب کمونیست کسه بوسنله مارکس وانگلس نوشته شده است -
 ۵ مارس ۱۸۷۱ - اختراع اولین چاپخانه در جهان بوسنله کونترکه آلمانی
 ۵ مارس ۱۸۷۱ - تولد روزالوکراسورگ
 ۱۸ مارس ۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس
 ۱۴ مارس ۱۸۸۳ - درگذشت کارل مارکس، برجسته ترین اندیشمندان تاریخ معاصر و رهبر بزرگ پرولتاریای جهان
 ۲۹ مارس ۱۹۱۹ - تشکیل کنگره موسس انترناسیونال سوم
 ۲۱ فوریه ۱۹۲۴ - شهادت اکسنسوسر از ساندسوسو، از رهبران جنبش انقلابی نیکاراگوئه توسط گارد ملی دولت ارتجاعی حاکم در نیکاراگوئه
 ۴ مارس ۱۹۵۳ - درگذشت ژوزف استالین
 ۱۴ مارس ۱۹۵۴ - آغاز نبرد دین بین فوتوسط انقلابیون ویتنام علیه نیروهای تجاوزگر فرانسوی
 ۲۲ فوریه ۱۹۶۵ - ترور مالکوم ایکس از هیران جنبش ساهاان امریکا
 ۲۷ فوریه ۱۹۷۷ - تأسیس جمهوری دموکراتیک عربی صحرای باختری توسط جبهه آزادیبخش پولیساریو
 اول مارس ۱۹۸۱ - شروع اعتصاب غذای بایی ساندزدر زندانهای انگلیس که منجر به شهادت او گردید -
 ۴ مارس ۱۹۸۵ - اعتصاب یکساله کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس بدون توافق با دولت خانم تاجریایان یافت - این یک شکست برای جنبش کارگری انگلیس و آغاز عقب نشینی های بعدی این جنبش بود -



فدایی شهید
 رفیق شعاع الله مشیدی رفیق صید دلیل صفایی



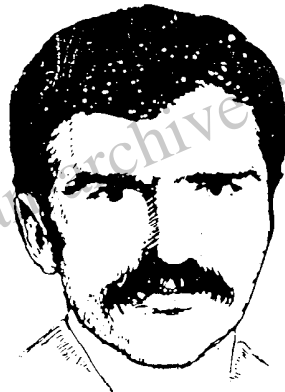
فرمانده کبر نم جنگل رفیق صفائی فراهانی



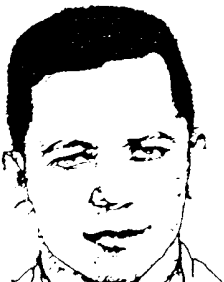
فدایی شهید عباس دانش بهزادی



فدایی شهید رفیق اسماعیل سعیدی



فدایی شهید هوشنگ نیری



فدایی شهید
 رفیق محدث قندچی



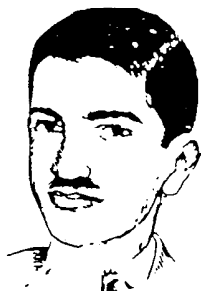
فدایی شهید
 رفیق بنده خدا لنگرودی



فدایی شهید
 رفیق اسکندر رحیمی



فدائی شهید
 رفیق غفور حسن پور



فدایی شهید
 رفیق هادی فاضلی



فدایی شهید
 رفیق احمد فرهودی



فدایی شهید
 رفیق جلیل انفرادی

اخبار و رویدادها....

ترور روزنامه نگار ترک
توسط تروریست های رژیم

روز شنبه ۲ بهمن امسال تروریست های رژیم
جمهوری اسلامی، اوغور مومجو، روزنامه نگار ترک
را ترور نمودند. از همان ابتدا، محافل مترقی ترکیه،
رژیم خمینی را مسئول این ترور اعلام کردند. روز ۷
بهمن مراسم تشییع جنازه مومجو با شرکت دهها هزار
نفر از مردم ترکیه در انکار برگزار شد به گزارش رادیو
بی بی سی در این مراسم "شعارهای بسیاری علیه
جمهوری اسلامی داده شد" و "شدت احساسات مردم به
اندازه ای است که وزیر کشور ایران عبدالله نوری که
در حال حاضر از ترکیه سدار می کند ناگزیر شد عکس العمل
نشان دهد". (رادیو بی بی سی - ۷ بهمن ۷۱) این
مراسم انعکاس وسیعی در مطبوعات و رسانه های خبری
جهان داشت و این رسانه ها جلگی رژیم آخونی را
مسئول این ترور اعلام کردند.

ملاقات مسئول شورای ملی مقاومت با وزیر فرهنگ عراق

روز چهارشنبه ۱۴ بهمن امسال مسئول شورای ملی
مقاومت ایران آقای سعید رجوی با وزیر فرهنگ
وتبلیغات عراق آقای حامد یوسف حمادی ملاقات
نمود. در این ملاقات در مورد مسائل مهم جهانی
و منطقه ای بحث و تبادل نظر صورت گرفت. آقای سعید
رجوی در این دیدار تاکید نمود رژیم خمینی تهدید اصلی
برای صلح و آرامش در این منطقه از جهان است.

استرداد تروریست های رژیم به سوئیس

رادیو امریکادریترانه روز ۲۲ بهمن امسال گفت:
"یک دادگاه فرانسه با استرداد دو ایرانی به سوئیس

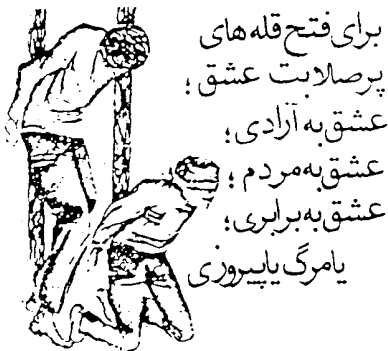
در صفحه ۳

برخی از رویدادهای تاریخی

اسفند ماه

- داخلی: ۱۲۹۹/۲/۳ - انجام کودتای امیرالموتی - انگلیسی
توسط رضاخان با همکاری سید ضیاء الدین طباطبائی
- ۱۲۲۹/۱۲/۲۹ - روز ملی شدن صنعت نفت در سراسر
کشور
- ۱۳۳۱/۱۲/۲۹ - شکست کودتای دربار شاه و نوکرانش
آخوندسپهانی، آخوندکاشانی و دکتر قاشی علیه
دولت ملی دکتر محمدی
- ۱۳۳۲/۱۲/۲۴ - به آتش کشیدن کربلای پور شد - رازی، در
روزنامه نگار مترقی توسط مزدوران رژیم محمد شاه
- ۱۳۳۲/۱۲/۲۷ - درگذشت علی اکبر دهنخدا، نویسنده
و ادیب بزرگ و مولف دهخدا
- ۱۳۳۲/۱۲/۱۷ - امضاء قرارداد دو جانبه نظامی بین
امریکا توسط رژیم محمد رضا شاه
- ۱۳۳۲/۱۲/۱۲ - درگذشت دکتر محمد مصدق
- ۱۳۳۸/۱۲/۱۱ - نظاره های مردم تهران در رابطه با
انویس رانی
- ۱۳۵۲/۱۲/۲۳ - شهادت مجاهد خلق - سرگرد حبیبی
افسر انگلیسی ارتش
- ۱۳۵۷/۱۲/۲۸ - یورش به مردم سمنج و آغا سرکوب
جنبش مردم کردستان توسط رژیم خمینی
- ۱۳۵۸/۱۲/۲۴ - سرگوداری انتخابات دوره اول مجلس
شورای اسلامی
- ۱۳۵۸/۱۲/۲۴ - اعلام خبر شهادت چهار ستاره خلق ترکمن
توماج، محتوم، واحدی و جرجانی
- ۱۳۶۱/۱۲/۲۴ - کشتار تعداد زیادی از زندانیان سیاسی
در زندان رشت بدنبال ایجاد آتش سوزی در این زندان
توسط مزدوران رژیم خمینی
- ۱۳۶۲/۱۲/۸ - درگذشت غلامحسین بنان، خواننده
بزرگ و اسناد موسیقی ایرانی
- روزهای تاریخی
- ۸ مارس - روز همبستگی بین المللی زنان

در صفحه ۱۱



شهادت فدایی
اسفند ماه

تعیین می گرد
کمیسیون
۱۳ نفری
بسیکادسیاهکل
تیر باران شدند
ت خورد
کعبان - ۲۶ اسفند ۶۹

رفقا:

- رحیم سماعتی - مهدی اسحاقی - سعید احمدزاده
- عباس مفتاحی - عبدالله مفتاحی - مجید احمدزاده
- مهدی سوالویی - حمید سوکلی - غلامرضا گلویی - بهمن
- آزنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان - پلنگه -
- صاف فلکی - علیرضا نابدل -یحیی امین نسا - جعفر

در صفحه ۱۱

NABARD_E_kHALGH No 93
ORGAN OF THE ORGANIZATION OF IRANIAN PEOPLE'S FEDAIAN GUERRILLAS.
20 feb 1993

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید

فرانسه
NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX
FRANCE
آلمان غربی
P.L.K
Nr. 039999 D
5000 KOLN 1
W - GERMANY

دانمارک
HOVIAT
POST RESTANTE
MIMERS GADE 118
N
2200 DANMARK
امریکا

HOVE YAT
P.O BOX 3332
RESTON, VA 22090
U.S.A

با کمک های مالی خود سازمان را در
انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم مهربان مبارز:
سازمان ما برای گسترش مبارز مسلحانه ای انقلابی علیه
رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، با مستقیما
به دبیت ما برسانید و بابت بانکی زیر واریز کرده
رسید انرا به آدرس سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک
03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب
MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب